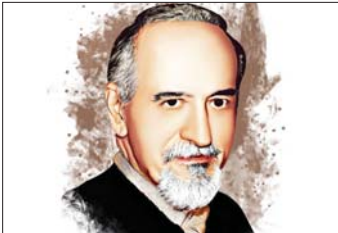


روزنه

مراسم تجلیل از استاد دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی



● در نخستین جلسه کمیته علمی همایش که روز سه‌شنبه، ۲۵ دی‌ماه، با حضور استادان و صاحب‌نظران برگزار شد، مراسم تجلیل از این استاد برجسته و شاخص فلسفه، فقه و حقوق که مقرر شده بود در اردیبهشت سال ۱۳۹۸ برگزار شود به نیمه دوم مهرماه سال آتی موکول شد. به گزارش دبیرخانه همایش ملی تجلیل از مقام علمی استاد محمدجعفر جعفری لنگرودی، «مرکز پژوهشی دانش‌نامه‌های حقوق علامه» و «انجمن حقوق‌شناسی» که از پیشگامان و متولیان نخستین برگزاری این همایش و نگوداشت ملی هستند –پس از تشکیل جلسات متعدد- دکتر محمدرضا ضیایی‌بیدگلی (استاد برجسته حقوق بین‌الملل و عضو هیئت امنای انجمن حقوق‌شناسی) را به عنوان ریاست شورای سیاست‌گذاری همایش انتخاب کردند و متعاقب تشکیل دو جلسه رسمی شورای سیاست‌گذاری، از دیگر نهادهای «علمی-حقوقی» و «دانشگاه علوم قضایی» برای مشارکت در برگزاری این همایش دعوت شد که «دانشکده حقوق و علوم‌سیاسی دانشگاه تهران»، «دانشکده حقوق و علوم‌سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی»، «دانشکده حقوق دانشگاه شهید تربیت‌مدرس»، «دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی» و «دانشگاه علوم قضایی» خدمات اداری ایران- به عنوان شرکای علمی برگزاری مراسم انتخاب شدند و جلسه نخست کمیته علمی مشتمل از نمایندگان نهادهای علمی مذکور برگزار شد. محمد جعفر جعفری لنگرودی فقیه، فیلسوف، ادیب و حقوق‌دان سرشناس ایرانی و صاحب تالیفات بسیاری در دانش حقوق فلسفه، فقه، ادبیات و تاریخ است، او چندی نیز ریاست دانشکده حقوق دانشگاه تهران را برعهده داشته است و از برجسته‌ترین استادان حقوق معاصر ایران به شمار می‌رود. ایشان که متولد ۱۳۰۲ در لنگرود، است، پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در لنگرود، برای ادامه تحصیل به دانش‌سرای رشت رفت که در حال تحصیل در دانش‌سرا، پدرمادرش از دنیا رفتند. به همین دلیل تحصیل در دانش‌سرا را نیمه‌تمام گذاشت و برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه شهرهای قم، همدان، اصفهان و مشهد رفت و در حوزه علمیه خراسان در محضر حضرت آیت‌الله میرزا هاشم مدرس قزوینی به درجه اجتهاد نائل شد. لنگرودی هم‌زمان با تحصیلات حوزوی موفق به اخذ دیپلم شده بود و برای ادامه تحصیل در دانشگاه تهران نیز ثبت‌نام کرد و پس از طی دوران تحصیل موفق شد دکترای حقوق خود را در سال ۱۳۳۹ از این دانشگاه دریافت کند. او اکنون ۹۵ سال دارد در ایست‌بورن (سאותهمپتون) انگلستان زندگی می‌کند و کماکان در حال تالیف، ترجمه و تحقیق در فقه، حقوق و فلسفه است. دایره‌المعارف عمومی حقوق (الفارقی)، دانشنامه حقوقی، رزمینولوژی حقوق، مبسوط در رزمینولوژی حقوق، فرهنگ عناصر‌شناسی، فلسفه اعلی، فلسفه حقوق مدنی، تئوری موازنه و سانسس فلسفه یا تالیفات او است که مرجع غالب پایان‌نامه‌های دانشجویان و پژوهش‌های پژوهشگران معاصر شده است. او با ارسال پیام تصویری از ساوتهمپتون انگلستان به این جلسه، از همه فضلا، اندیشمندان و حقوق‌دانانی که در برگزاری این همایش اهتمام ورزیده‌اند، تشکر کردن که این پیام در جلسه مذکور پخش شد.

ادامه از صفحه اول

بنیان‌گذار «نظریه سیستم‌ها» و یکی از تئورسین‌های اصلی این دکتین، گفته بود: «شاید، بهترین راه برای تحمیل سیاست‌هایمان این باشد که خود را قدری عصبی و احساساتی جلوه دهیم. در این بازی بازدارنده طرفی که به‌نظر می‌آید عزمش را جزم کرده و راه بازگشتی برای خود نگذاشته، شانس بهتری برای کسب امتیاز از طرف مقابل دارد که با رفتاری متین به میدان آمده است. این همان جایی است که خردمندی بی‌خردانه جایز است. تظاهر به اینکه کورکورانه به یک سیاست بی‌خردانه پایبند هستید، ممکن است بهترین استراتژی یک بحران باشد».کیسینجر معمار آتش‌بس جنگ ویتنام است، مشاور امنیت ملی ریچارد نیکسون، متأثر از آرای هرام کان و مهم‌تر از او توماس شلینگ بود و درک خود را ماجرا را عمیقاً به نیکسون تلقین کرد. شلینگ، برنده نوبل اقتصاد و مبلغ استراتژی «خردمندی بی‌خردی» بود. از نظر او در دوران جنگ سرد «جنگ خروس‌ها» در میان بود، او می‌پنداشت در این بازی طرفی برنده است که در جانداختن این دیدگاه غلبه پیدا می‌کند که او از هیچ چیز نمی‌ترسد، درد را نمی‌شناسد و آماده گلاویز شدن تا سر حد نابدوی یکی از طرفین است، چطور می‌شود چنین دیدگاهی را تحمیل کرد، شلینگ پاسخ می‌داد: «مشکل این‌گونه حل می‌شود که یک سیاست‌مدار خود را غیرخرمند جلوه دهد یا خود را در موقعیتی جلوه دهد که امکان عقب‌نشینی از او سلب شده باشد».درواقع تمام ماجرا این بود که چقدر می‌توانید «عمدا» کوشش کنید خود را یک «سیاست‌مدار کاملاً غیرمنطقی» جلوه دهید و تا کجا می‌توانید به مجنون‌نشان‌دادن خود تظاهر کنید و حریف را مرعوب این ابهام کنید.کیسینجر بسیار استادانه این متد را به نیکسون آموخت، به او گوشزد کرد که باید با تمام قدرت نشان دهد که بالاخره ا تا‌تماماً اجازه داده است. او در کارزار ریاست‌جمهوری عهد کرده بود که هرطور باشد جنگ ویتنام را پایان خواهد داد (آن‌چنان که ترامپ نیز عهد کرده بود برجام را پاره خواهد کرد). او تظاهر می‌کرد که برخلاف رؤسای جمهور قبلی، بدون در نظرگرفتن شرایط دنیا و «نظم حاکم بین‌المللی» می‌تواند دیوانگی‌های غیرقابل‌پیش‌بینی کند، به‌ویژه این دیوانگی را پیوند می‌زد با درخواستی که رای‌دهندگان از او داشته‌اند ادعا می‌کرد اصلاً آمریکا به‌دلیل دیوانگی به او رای داده است تا مانند یک «خروس جنگی» چشم حریف را درآورد و هیچ جای برگشتی وجود ندارد.

عملیات شدن ایده

ترامپ از تابستان سال ۲۰۱۷ تئوری «مرد دیوانه» را به‌طور کامل درخصوص کره‌شمالی به‌کار برده بود. کیم جون اونگ که در سال ۲۰۱۱ به جای پدرش رهبر کره‌شمالی شده بود، در ماه سپتامبر قدرتمندترین آزمایش هسته‌ای خود تا امروز را انجام داد. ترامپ در تابستان آن سال توییت مهم‌شور خود علیه کره‌شمالی را پست کرده بود. اگر کره‌شمالی به تهدید ایالات متحده ادامه دهد با «آتش و خشم» مواجه خواهد شد. مشاهدات ترامپ از ماه آگوست تا دسامبر به‌درستی نشان از آن داشت که هرچه تهدیدهای او دیوانه‌وارتر می‌شود و هرچه بیشتر به کیم یادآور می‌شود که واشنگتن در مسیری غیرقابل عقب‌نشینی پا گذاشته، پیونگیانگ آزمایش‌های کمتسر و کمتسر و کمتسر است انجام می‌دهد. به‌نظر او آمد این سیاست واقعا در قبال دشمنان خونی جواب می‌دهد. تا دسامبر ۲۰۱۷ ترامپ با لحنی تند و قاطع تهدید می‌کند که اگر ایران، اروپا و کنگره آمریکا نواقض برجام را برطرف نکنند، آن را تأیید نخواهد کرد، رئیس دولت در ایران که به‌تازگی برای چهار سال دوم با رای بالایی انتخاب شده است، در ماه‌های نخست با سرزنش‌های بسیاری از سوی هواخواهان خود به‌دلیل دیده‌نشدن اثرات اقتصادی برجام، تشکیل کابینه‌ای نامیدکننده و خفیف‌بودن اصلاحات سیاسی مواجه است، بااین‌حال به چشم کاخ سفید همه‌چیز در ایران سر جای خود قرار دارد. در این مرحله به‌نظر می‌آید ترامپ قصد دارد با راه‌انداختن بازی «خردمندی بی‌خردی»، برجام اصلاح‌شده‌ای (در نگاه وی) را تنظیم کند. به‌نظر نمی‌آید او واقعا قصد داشته باشد از برجام خارج شود.

اما آغاز ناآرامی‌های دی‌ماه روند بازی را تغییر داد. ترامپ خود در صف مقدم حمایت از تظاهرکنندگان خشمگین قرار گرفت و بیش از هر نیرویی در داخل یا خارج از ایران در حمایت از آنها توییت کرد. ترامپ احساس می‌کند افکار عمومی در ایران را در دست گرفته و نبض سیاسی و اقتصادی در ایران با کلمات او نوسان پیدا می‌کنند. در اواسط زمستان ترامپ درخصوص دو چیز به یقین رسیده است: اول اینکه افکار عمومی در ایران در وضعیت نسبتاً هیستریکی قرار گرفته و از طریق شبکه‌های اجتماعی غیررسمی قابل تأثیرات روانی جدی هستند. دوم اینکه جامعه ایران به این نتیجه رسیده که وی به‌راستی مردی غیرقابل پیش‌بینی است. هم‌زمان مشاوران او به‌ویژه در «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» به‌رهبری مارک دویویتز، این نظریه را تقویت می‌کردند که بخش‌های مهمی از جامعه ایران در نقش خود فرورفت. اقتصادی و سیاسی آماده تبدیل‌شدن به دینامیت انفجاری هستند. با این پنداشت‌ها و هم‌زمان اعلام آمادگی کره‌شمالی برای مذاکره تاریخی میان رهبران پیونگیانگ و واشنگتن بر سر همه‌چیز، ترامپ بیش‌ازپیش به سیاست «مرد دیوانه» باور پیدا کرد.

برخیزش به سیاست «مرد دیوانه» باید یوا کرد. درخصوص ایران او کاملاً در نقش خود فرورفت. مارس ۲۰۱۸، یک ماه پیش از خروج از برجام، وی صحنه را آماده‌تر کرد. دو نفر از بدنام‌ترین سیاست‌مداران جنگ‌طلب و ایران‌ستیز جایگزین دو سیاست‌مدار نسبتاً عمل‌گرا در کابینه ترامپ شدند: مایک پمپئو، رئیس وقت سی‌آی‌ای، مردی عجب که هر روز صبح مأموران ارشد اطلاعاتی را در عین اصلی جمع می‌کرد و برایشان دعا می‌خواند، جای رکس تیلرسون را در وزارت خارجه گرفت و جان بولتون که حتی در دولت جنگ‌طلب جورج بوش پسر هم یک نیروی قابل‌تحمل قلمداد نشده بود، به جای هربرت مک‌مستر در پست کلیدی مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور نشست. هر دو آنها در گذشته دست‌کم یک بار خواستار بمباران خاک ایران شده بودند. با این تحولات، در اوایل ماه آوریل کاملاً قطعی به‌نظر می‌آید که ترامپ سیاست «خردمندی بی‌خردی» را صرفاً با «اصلاح برجام» که البته برای آن نیز وقتی نمانده، متوقف نخواهد کرد. فقط کسانی که دنبال معجزه بودند تصور می‌کردند ممکن است ترامپ بار دیگر برنامه جامع اقدام مشترک را تأیید کند. دلار حتی پیش از خروج وی از برجام، نسبت به شش ماه پیش ۷۰ درصد گران شده است. مشاوران ترامپ به او اطلاع می‌دادند که اگرچه مقامات در تهران با مذاکره در شرایط فشار مخالف هستند، اما در ایران نوعی از جمهوری است که باید در مقابل افکار عمومی پاسخ‌گو باشد و نهایتاً در مقابل فشار دست به عقب‌نشینی خواهد زد. این‌دست تحلیل‌ها از سبوی متحدان اصلی وی در مهاباسی با اطراف ایران تقویت می‌شد: اسرائیل، عربستان‌سعودی و امارات متحده. به‌جز رهبران کشورها، لابی‌گرهای ابوظبی و راض در کاخ سفید، خانه نمایندگان و سنا مدام تأکید می‌کردند ایران در آستانه عقب‌نشینی تاریخی قرار گرفته است، ازجمله «بنیاد عربستان»

سیاست

پایان سیاست دیوانه



عکس Reuters

یک اتاق فکر متعلق به خاندان آل‌سعود که ژانویه ۲۰۱۷ در دست هم‌زمان با روی‌کارآمدن ترامپ در کاخ سفید توسط علی‌الشهبای، بانکدار سابق، در واشنگتن تأسیس شد. به‌نظر می‌آید شهبای مغز متفکر هماهنگی لابی در واشنگتن علیه ایران بوده است. چند روز پس از خروج ترامپ از برنامه جامع اقدام مشترک، او در مناظره‌ای با باربارا لیف، سفیر سابق آمریکا در امارات متحده، خاطرنشان کرد: «پیام به ایران رسیده است، دیگر نمی‌توانید تنها پشت یک مورد (برنامه هسته‌ای) پنهان بمانید». در کل تابستان، ترامپ توانست پاسخی را پیاده کند که افکار عمومی ایران را ملتهب کند. حوادث دی‌ماه و بعد ناآرامی در تابستان، ترامپ را به این نتیجه رسانده بود که سیاست «مرد دیوانه» اولاً به‌شدت جامعه ایران را متأثر کرده، دوماً این اثرگذاری به‌شدت مردم ایران را نسبت به آینده خود دچار هیستری کرده است و سوماً این هیستری باعث بروز شورش‌های گسترده‌ای خواهد شد که حاکمیت ایران را ناچار خواهد کرد پای میز مذاکرات بنشیند که قواعدش را تماماً او و متحدانش تعیین خواهند کرد.

فرو ریختن ایماز

دقیقا در همین برهه جامعه ایران به دلایل متعدد در وضعیت نامناسی قرار داشت، تلنباژشدن زخم‌های بسیار و کمبود تسکین‌های سیاسی در یک دوره ۲۱ساله از سال ۱۳۷۶ به بعد، جامعه را آماده پذیرش ایمازهای ترسناکی کرده بود که نه به‌صورت اصلاحات آتی تلطیف می‌شد، نه مطبوعات پرتیراژ و مهم‌تر از آن معتمد - چه از منظر مستقل‌بودن و چه از منظر تخصص- وجود داشت که تریق اطلاعاتی را در پناه ببرند و نه آکادمیک‌ها و روشنفکران توان یا اراده‌ای حقیقی برای ورود به‌خاطر درآغوش‌گرفتن جامعه‌ای هراسناک و آرام‌کردن آن داشتند. ترسناک‌ترین ایماز جامعه، نه الزاما ناواری نسبت به بسیج دوباره همه توان ملی برای سروسامان‌دادن به حال و روز مملکت در بدترین بحران‌ها که احتمالا پرتنگ‌ترین بخش از حافظه جمعی و تجربه تاریخی صد سال اخیر ما ایرانیان محسوب می‌شود، بلکه مواجهه با «مرد دیوانه» در کاخ سفید بود. جامعه ایران چند پیش‌فرض سیاسی را در نظر گرفته بود: نخست اینکه ترامپ به‌راستی رحمی نسب به ایران ندارد و از ایرانی‌ها در قالب ملت هم متفرق است (نخستین دستور اجرایی ترامپ ممنوعیت ورود ایرانی‌ها به آمریکا بود)، دوم اینکه او در کشورش نامیرا، قدرتمند و کامیاب است (فروکش‌کردن چشمگیر نظاهرات مدنی علیه او در سال ۲۰۱۸ در مقایسه با سال ۲۰۱۷، افزایش محبوبیت او به‌واسطه رشد اقتصاد و کاهش نرخ بیکاری) پس در سال ۲۰۲۰ نیز پیروز انتخابات است (تصور کش آمدن مسئله: نه برای دو سال که احتمالا برای دست‌کم شش سال تا ۲۰۲۴). در کنار اینها قدرقدرت و رویتین‌ماندن نیروهای به‌شدت متخاصم مانند محمد بن‌سلمان و بنیامین نتانیاهو (سیاست‌مدار دست‌راستی و تندرو که ۱۰ سال است نخست‌وزیر اسرائیل مانده است) بر کنر تصویرهایم افزود. آینده ایران تنها به امروز دو کشور در جهان تشبیه می‌شد: سوریه یا ونزوئلا. بااین‌حال

در ماه مهر و آبان مجموعه‌ای از اتفاقات به‌صورت معجزه‌آسا توانست جامعه ایران را تا حد زیادی از منجمدشدن در این حوض، نجات دهد: اول اینکه شکست‌پذیری ترامپ علنی شد، انتخاباتی کنگره مرد آبان با شکست چشمگیر جمهوری‌خواهان مورد حمایت ترامپ در خانه نمایندگان همراه شد. دوم، مرگ جمال خاشقجی و حملات وخیم به عربستان‌سعودی و ولیعهد عربستان (در عمل مرد شماره یک خاندان سلطنتی) رویتین‌بودن او و کشورش در اداره خاورمیانه را زیر سؤال برد، نه‌تنها عربستان را در مسئله یم‌ وادار به عقب‌نشینی کرد بلکه جایگاه جهانی ترامپ نیز به‌عنوان مدافع اصلی عربستان به‌شدت لکه‌دار شد، تحلیل عمومی بر این شد که واشنگتن و ریاض دیگر نخواهند توانست آن اتحاد آهنین و افسانه‌ای ۱۸ ماه اخیر را ادامه دهند، (اتحادی که نیزه‌اش بیش از هر چیز تمامیت ارضی ایران را نشانه رفته بود) هم‌زمان بنیامین نتانیاهو نیز به‌خاطر تشنج‌های حزبی بر سر آتش‌بس در غزه پست خود را در خطر برگزاری انتخابات زودهنگام دید.

پیش از آغاز آیزل دموینو، ابتکار عبدالناصر همتی برای مداخله بانک مرکزی در بازار ارز و نوعی «ترس یا بیدارشدگی ملی» برای پایان‌دادن به «دلالی جمعی» به‌نوعی مقاومت علیه زوال شهروندی بدل شد و توانست جامعه را از وضعیت سمخ‌شدگی نجات دهد. آقای همتی شاید تنها مقام ارشد در دولت حسن روحانی بود که توانست در این بازه یک‌ساله و ترسناک، ابتکاری حقیقی برای شکستن وضعیت ذهنی مذکور ارائه دهد. همان‌قدر که ابتکار بانک مرکزی به ریاست همتی در درک ماجرا چشمگیر بود، انتقال وزارت خارجه به ریاست محمد جواد ظریف در فهم وضع موجود و ارائه خلاقیات‌هایی - حتی در بدیهی‌ترین اشکال آن- برای خروج از آن انسداد روانی مایوس‌کننده بود.

پایان بازی

سیاست «مرد دیوانه» سیاست کوتاه‌مدت است، یا به‌سرعت جواب می‌دهد یا به پایان می‌رسد، گرچه به‌عنوان استراتژی چندباری در آمریکا به‌کار برده شده است، اما نمی‌تواند یک روند در سیاست خارجی کشوری باشد، وضعیت ذهنی جامعه و حاکمیت مخاطب در برابر شعبده‌ای که به راه می‌افتد بسیار تعیین‌کننده است و درصورتی‌که دولتی «دیگر» نتواند مفاهیم بی‌خردی، زیرانگری، بیش‌بینی‌ناپذیر و عصبی و آتشین‌بودن را به آن صورت که روان مخاطب را واقعا دچار مخاطره و تزلزل کند جا بیندازد یا در ضرابهنگ تریق سیاست جنون‌آسایش مکتبی طولانی پدید آید، این بازی به پایان می‌رسد. درست به‌همین دلیل دقیقا در روزی که ترامپ با اعمال مجدد «نمام‌تحریم‌ها» علیه ایران، امید داشت نمایش اراده در قالب پوستر سرپال «بازی تاج‌وتخت» همه وحشت بسیار ختم شود، به هیچ‌چیز ختم نشد. ترامپ قصد داشت خود را همچون «شاه‌جفری» که «مرد دیوانه‌بازی» بود معرفی کند، اما درست در روز پرده‌برداری از خود، بازی به پایان رسید.

دقیقا مطمئن نیستم ترامپ و همراهانش چقدر متوجه این ماجرا شده باشند، شاید آنها بخواهند چند بار دیگر در قالب توییتز، مصاحبه‌های مهیب یا دستورالعمل‌های ویژه، میزان تشنج‌پذیری جامعه ایران را امتحان کنند، شاید ترامپ سعی کند بازی «مرد دیوانه» را در قالب تهدید به جنگ پیش گیرد، اما با توجه به روحیه اقتصادی او و وضع کنونی جامعه آمریکا از همین الان مشخص است که جامعه ایران چندان تحریک نخواهد شد. جوامع را نمی‌توان زمان زیادی در وضعیت شراس آخال‌زمانی نگه داشت. ایران این وضعیت خوفناک را از مهرماه سال گذشته تا اواسط آبان تجربه کرد و بعید است در کوتاه‌مدت بار دیگر این تشنج عصبی را تجربه کند. از این رو به نظر قطعی است که ترامپ پس از بهار در متدولوژی سیاست خارجی خود در قبال ایران تجدیدنظر خواهد کرد. آیا اصل مواجهه با ایران خصمانه خواهد بود یا مسالمت‌آمیز؛ احتمال خصمانه‌ماندن بسیار بیشتر است، اما قطعاً با مختصات جدید و متفاوت.

یادداشت

وقتی احزاب غایب باشند

حمید ملک‌زاده

● یک بار، وقتی از حسین رضازاده، قهرمان اسبق وزنه‌برداری تیم ملی جمهوری اسلامی ایران پرسیده بودند که چرا مانند افرادی مثل علی دایی، در مقام سرمایه‌ای ملی از سیاست کنار نمانده و از اعتبار ملی خود در منازعات سیاسی استفاده می‌کند این‌طور پاسخ داده بود که: «علی دایی هم اگر فوتبالیست نبود شاید او هم به شورای شهر می‌آمد… علی دایی به کشورهای مختلف رفت و پول در آورده است. سرمایه‌گذاری کرد و شاید اصلا وقت نکند به این کارها وارد شود…». از همه آن مصاحبه ایسنا یا «قوی‌ترین مرد شورای شهر»، این عبارت‌های ساده را می‌توان به‌عنوان یک جور ماده اولیه برای مجموعه‌ای از فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی در سیاست نظری و عملی، مخصوصاً برای آموزش و پژوهش درباره سیاست در ایران امروز مورد استفاده قرار داد. همین‌طور می‌توان این عبارات ساده را به‌عنوان نشانه‌هایی از تب شدید در بدن سیاست در نظر گرفت و به آسیب‌شناسی سیاسی در ایران امروز پرداخت. سیاست در ایران امروز درست مثل بدنی که بیمار باشد، به تاوان و در دوره‌های مختلف در دشمنان‌های متفاوتی را به نمایش می‌گذارد. دردشنان‌هایی که هر کدام بسته به میزان قوت‌گرفتن بیماری شکل خاصی پیدا می‌کنند. درگیری یکی از نمایندگان محترم مجلس با کارمند کمرک ایران را باید به‌عنوان یکی دیگر از این دردشنان‌ها به حساب آوریم.

فارغ از اینکه در ماجرای پیش‌آمده میان محمدباستط درازهی، نماینده محترم سراسوان و کارمند کمرک چه کسی محق باشد، مهم‌ترین نکته به فهمی برمی‌گردد که اهالی سیاست، چه در نمونه حسین رضازاده در مقام عضو شورای شهر و هم در نمونه نماینده محترم سراسوان، از چپستی کار سیاست دارند. همین‌طور هم پیوند منطقی این فهم، یعنی تصویری که ایشان از خودشان در مقام سیاست‌مدار- اگر اصلاً بشود ایشان را با این نام صدا کرد- مسئله مهم دیگری خواهد بود که راهگشای ما در طرح نهایی مسئله موردنظرمان است. اجازه دهید تا به طور جداگانه، هر دوی این داده‌ها را مورد بررسی قرار دهیم:

حسین رضازاده معتقد است که اگر به اندازه علی دایی و هر فوتبالیست دیگری، درآمد مالی از ورزش داشت، احتمالاً مشغول سرمایه‌گذاری‌های خودش شده بود و پایش به سیاست باز نمی‌شد. به بیان روشن‌تر، انتظار رضازاده از کاری که در سیاست، به‌عنوان عضو شورای شهر تهران، انجام می‌دهد جبران آن حدی از سرمایه است که فعالیت در ورزش توانسته برای او در قیاس با قهرمانان ملی رشته‌های دیگر به ارمغان آورد. پاسخ رضازاده - حتی اگر او چنین چیزی را قصد نکرده باشد- به خواننده این‌طور القا می‌کند که او برای به‌دست‌آوردن سرمایه و جبران عقب‌افتادگی‌های مالی شخصی‌اش به‌عنوان یک قهرمان ملی، وارد سیاست شده است. اجازه بدهید تا در ادامه این نوشته کوتاه، نمونه دومی را که در ابتدای کار مطرح کردید از همین منظر مورد بررسی قرار دهیم. در نمونه دوم، با یکی از نمایندگان محترم مجلس مواجهیم که قصد دارد با رئیس کمرک ملاقاتی داشته باشد؛ کارمند کمترین تکمکن نکرده و به او یادآور می‌شود که از ایشان «دستور نمی‌گیرد»؛ در اینجاى ماجراست که نماینده سراسوان ضمن استفاده از الفاظی تابلیست این «دستورنگرفتن» را زیر سؤال برده و درواقع به کارمند موردنظر یادآور می‌شود که «او در مقامی قرار دارد که کارمند کمرک باید از خودشناسی تبعیت کند». در این نمونه مناقشه اصلی، جدای از ادبیات تابلیست به‌کاررفته در این روایترویی، بر سر همین جمله ساده خبری است، «ما که از شما دستور نمی‌گیریم». کارمند کمرک با گفتن آن جمله این مسئله را خاطرنشان می‌کند که نه خودش به‌عنوان کارمند و نه نماینده محترم مجلس، هیچ کدام «فعال مایاش» نیستند. قدرت ایشان وساطت شده و محدود به مجموعه‌ای از قواعد و مکانیسم‌های خاص است.

به نظر من، این دو نمونه بیانگر دو درک اشتباه از سیاست‌هستند که حداقل در میان بخشی از مردم و سیاستمداران ایرانی جریان دارند.۱: حکومت یک بنگاه اقتصادی زودبازده است.۲. سیاست‌مدار حاکم یا فعال مایاش، است. کسی که در بالای مردم، قانون و رویه‌های اداری قرار دارد. این هر دو تنها وقتی اتفاق می‌افتند که در فقدان یک‌جور نظام حزبی کارآمد که هم به کار تربیت سیاست‌مدار مشغول باشند و هم به‌عنوان یک کارگزاران عقلانی و قابل ارزیابی سیاسی بتوان رفتارشان را مورد مطالعه قرار داد، اشخاص منفردی که به اندازه کافی درباره حکومت، کارگزاری آن، قانون و کار سیاست‌مدار، آموزش‌ها و تجربه‌های لازم را به دست نیاورده‌اند، وارد دستکاه سیاسی می‌شوند، کارهایی را متناصب با قدرت و با سیاست دارند، انجام داده و بعد از آن با آنچه از دوران تصدی‌گری‌شان به دست آورده‌اند به ادامه زندگی می‌پردازند. برپایی یک نظام حزبی معتادار، باید اولویت اصلی هر شکلی از اصلاح در سیاست ایرانی به حساب بیاید. نظامی که ضمن تربیت انسان‌هایی که این دو دردشنان سیاسی را در رفتار و سخنانشان پیدا نمی‌کنیم، به تقویت امکان پاسخ‌گوکردن سیاستمداران بپردازد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۳۹۷۶۰۳۰۱۰۲۳۰۰۱۱۳۱ مورخ ۹۷/۱۰/۱۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران
تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حمید رضا داراب منش فرزند محمد رضا بشماره شناسنامه ۱۴۵۰۲ صادره از تهران در شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی در آن به مساحت ۱۰۲/۸۰ متر مربع در قسمتی از پلاک ۱۶۰۶۱ فرعی از ۲ اصلی مغفروز و مجری شده از پلاک ۱۶۲۹ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تفروزی خریداری از مالک رسمی افسر بخشی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سندمالکیت متقاضی اعتراضی نداشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول ۹۷/۱۰/۲۹ تاریخ انتشار نوبت دوم ۹۷/۱۱/۱۴
م الف ۲۰۲۱۶ اداره ثبت اسناد و املاک یافت آباد (تهران)

آگهی تسلیم سند مالکیت پلاک ۳۸۲۲ بهش ۹ ثبت تهران
اسناد مالکیت شش‌دانگ یکجایخانه بشماره ۳۸۲۲ واقع در تهران بخش ۹ ثبت تهران ذیل ثبت ۳۴۰۹ صفحات ۴۰۱و۳۹۷ دفتر ۳۳ به نام مرتضی نی داود حکیمی و بلخان نی داود حکیمی ثبت و صادر شد و برابر سند ۶۳۴۷۳-۶۶/۴/۱۳ دفتر ۲۵۷ تهران مع الواسطه به آقای محمود ایوبی منتقل شده است نامبرده برابر حصر وراثت ۳۸۰-۳۸۰/۲۶-۷۰/۱۱ ششبره ۴۱ دادگاه حقوقی تهران فوت که وراث خانم افضل هاشمی (همسر) و اکبر و مهدی و خسرو و مجتبی و محمد تقی و کاظم (پسران) ز هره و ناهید دختران که برابر حصر وراثت ۶۶۲-۵۳۹۰/۲۴ شورای حل اختلاف خانم افضل هاشمی نیز فوت که وراث وی عبار تند از اکبر و مهدی و خسرو و مجتبی و محمد تقی و کاظم پسران و زهره و ناهید دختران می باشند آقای محمد تقی ایوبی و خسرو ایوبی تقاضای صدور سند مالکیت نسبت به سهم الارث خود را نموده است اعلام داشته اصل سند مالکیت در ید آقای مهدی ایوبی می باشد که به نامبرده طی اخطار شماره ۱۳۴۷۲-۹۷/۵/۷ گردیده اصل سند مالکیت را تحویل اداره نماید که در موعد مقرر سند مالکیت ارائه نشده است مراتب در اجرای تبصره سه ذیل ماده ۱۲۰ اصلاح مواد۱ از آیین نامه قانون ثبت جهت اطلاع نامبرده در یک نوبت آگهی و متذکر می گردد ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی که اصل سند مالکیت موصوف را جهت رسیدگی و اخبار به این منطقه ارائه نماید در غیر اینصورت این اداره برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت به نام متقاضیان اقدام خواهد نمود.

م الف ۲۰۲۱۲ رئیس ثبت منطقه مولوی تهران